



دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه با همکاری گروه های پژوهشی حقوق شهروندی و حقوق بین الملل سلامت مرکز تحقیقات حقوق

کنفرانس ملی ارتقای سلامت‌های حقوقی پزشکی فرزندی

NATIONAL CONFERENCE ON HEALTH PROMOTION & IT'S LEGAL & MEDICAL CHALLENGES



سلامت زنان بعد از عده و تبیین احکام آن در حقوق ایران و کشورهای اسلامی

آیدا تنهائی دیلمقانی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول)

Aydatanhae1360@gmail.com

حسین عظیمی اسفنجانی

دانشجوی دکتری تخصصی حقوق بین‌الملل، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

Hosseinazimi343@gmail.com

چکیده

طلاق، نزدیکی به شبهه، وفات همسر و بخشیدن یا به پایان رسیدن مدت در ازدواج موقت، تکلیفی را تحت عده برای زن ایجاد می‌کند، که دایره شمول این حکم بسیاری از زنان را، در برمی‌گیرد؛ اما شارع مقدس این حکم را با تمام اهمیتی که در پاکی نسل‌ها دارد از گروهی از زنان برداشته است که از جمله مصادیق مسلم آن‌ها عبارت‌اند از: غیر مدخوله، صغیره و یائسه. از آنجا که عدم وقوع نزدیکی بین زن و مرد و قرار داشتن زن در سنینی که قابلیت بارداری در او وجود ندارد شرط عدم لزوم عده می‌باشد. در مقابل مصادیق مسلم عده مصادیق مشکوک و غیرمسلمی مطرح می‌شود که از جمله آن‌ها عده زنان بدون رحم می‌باشد که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته و عدم لزوم عده بر آنان پیشنهاد شده است چنانچه اگر فلسفه تشریح عده، اطمینان از برائت رحم از طفل باشد، در این صورت با اطمینان از عدم وجود طفل در رحم با توسل به شیوه‌های جدید پزشکی می‌توان زن را از تحمل عده در مواردی معاف نمود لیکن در صورتی که امر به عده تعبدی باشد با اطمینان به عدم وجود طفل نیز باید قائل به حفظ و نگهداری عده برای زنان بود. لذا علی‌رغم پیش‌بینی عده در تمام مذاهب اسلامی، اختلاف‌هایی در بین این مذاهب در خصوص این موضوع وجود دارد بنابراین لازم است بررسی تطبیقی در این زمینه نیز صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: عده طلاق، عده وفات، نکاح دائم، نکاح موقت، غیرمدخوله، حیض، یائسه



مقدمه

یکی از مسائل فقهی - حقوقی که اهداف خاصی را دنبال می‌کند، موضوع عده می‌باشد. احکام عده مختص به زنان می‌باشد که به منظور تکريم شخصیت و کرامت انسانی زن تشریح شده است. خداوند زن را ملزم کرده است که در صورت فوت شوهر، جدایی از او، بطلان و فسخ ازدواج، بخشش یا به پایان رسیدن مدت در ازدواج موقت، وطی به شبهه، مدت زمان معین از ازدواج با مرد دیگر خودداری نماید. عده آثار فقهی و حقوقی بسیاری به دنبال دارد که گستره آن بسیاری از زنان جامعه را شامل می‌شود لذا شناخت کامل و دقیق این مسأله و تشخیص محدوده زمانی آن نسبت به حالات و وضعیت‌های مختلف زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، در مقابل مصادیق مسلم عده، با توجه به پیشرفت‌های علمی مصادیق مشکوک و غیرمسلمی مطرح می‌شود که از جمله آن‌ها عده زنان بدون رحم، که در این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته. سؤالات مهمی در باب عده مطرح است که سعی بر آن شده که تا حدودی به این سؤالات پاسخ داده شود. مطالب این مقاله در سه مبحث تنظیم شده است که در مبحث اول به بررسی مفاهیم عده، حیض و یائسگی و معنای لغوی و اصطلاحی آن‌ها در فقه و حقوق پرداخته شده. در مبحث دوم به موجبات عده در فقه و حقوق از جمله طلاق، فسخ نکاح، بذل و انقضای مدت، نزدیکی به شبهه و وفات و ... پرداخته شده و در مبحث سوم به مصادیق و موارد عده نظیر انواع زنان و حقوق زنان در زمان عده، فلسفه عده و تطبیق عده با برخی کشورهای اسلامی پرداخته‌ایم.

بیان مسأله

یکی از مسائل فقهی و حقوقی که اهداف خاصی را دنبال می‌کند، موضوع عده می‌باشد. عده در تمام مذاهب اسلامی اصلی مسلم می‌باشد و تنها در احکام آن اختلافات جزئی دیده می‌شود. در این مقاله ابتدا موضوع عده را با مراجعه به مستندات قرآن، احادیث معتبر، نظر مشهور فقها و قوانین مدنی در ایران بررسی نموده و سپس به بررسی برخی کشورهای اسلامی می‌پردازیم. عده جزء دستوراتی است که در قرآن مطرح شده و برخی از احکام آن اعلام گردیده است. کلمه عده به کسر عین و فتح دال مشدد، اسم مصدر اعتداد است و از ریشه عدد گرفته شده است. در لغت به معنای شمردن می‌باشد و از نظر اصطلاح شرعی عده عبارت است از مدتی که زن پس از جدایی از شوهر یا کسی که اشتباهاً با او وطی به شبهه نموده، در حالت انتظار است و در این زمینه فرقی نمی‌کند که علت جدایی، طلاق باشد یا فسخ نکاح و یا خود شوهر یا بذل مدت و یا انقضای آن در نکاح منقطع. معنای حقوقی عده در قانون نیز آمده: عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زمانی که عقد نکاح او منحل شده است و نمی‌تواند شوهر دیگری اختیار کند. نگهداری عده مختص زنان می‌باشد، بنابراین سعی ما این است که این پژوهش شامل موارد ذیل باشد:

ساختار اصلی مقاله و روش بیان مطالب و معنای لغوی و اصطلاحی و فقهی عده، احکام و فلسفه آن، موجبات عده از قبیل طلاق، فسخ نکاح، بذل و انقضای مدت، نزدیکی به شبهه و وفات، مصادیق و موارد عده نظیر انواع زنان، حقوق زنان در زمان عده و همچنین در این تحقیق به روشن شدن مباحثی از موضوع مورد بحث می‌پردازیم که در حقوق ایران مورد بررسی قرار گرفته است و قانون در آن رابطه ساکت است از جمله طبق بررسی‌های انجام شده در مورد عده زنان بدون رحم، روابط غیرمالي زوجین در زمان عده و تعیین فلسفه عده که با توجه به پیشرفت علم و مسائل مستحدثه روز می‌تواند دارای اثرات و تبعات متعدد باشد هیچ حکمی در قانون مدنی نیامده است و در این تحقیق درصدد آن هستیم که به این موارد و بسیاری از موارد دیگر در برخی کشورهای اسلامی، در راستای بررسی احکام، مصادیق و موارد و فلسفه عده بپردازیم تا جایگاه و اهمیت عده را به طور کامل در جامعه اسلامی به منصف ظهور برسانیم.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

امروزه با توجه به زیاد شدن وقوع طلاق میان زوجین که یکی از مسائل مهمی که بانوان باید به آن توجه داشته باشند بحث نگه داشتن عده و رعایت احکام مربوط به آن می‌باشد با توجه به بررسی‌های انجام شده در کتاب‌های فقهی و حقوقی عده را در لابه‌لای بحث‌هایی چون نکاح دائم و منقطع، طلاق، آمیزش به شبهه، وفات زوج، منع نکاح، ارتداد زوج و زوجه، بذل مدت یا



انقضای آن و ... مطرح شده است و این تحقیق درصدد آن است که به احکام عده به صورت تخصصی و به عنوان اصل مطلب پرداخته شود تا در صورت نیاز به شناخت احکام عده به عنوان یک منبع جامع و تخصصی مورد استفاده قرار بگیرد.

اهداف تحقیق

اهداف اصلی تحقیق بررسی فقهی و حقوقی احکام، مصادیق و موارد و فلسفه عده با مطالعه تطبیقی برخی کشورهای اسلامی و همچنین هدف‌های دیگری که ما در این تحقیق داریم این است که موجبات عده در جامعه اسلامی از جمله عده در طلاق و وفات و ... به چه صورت است و انواع زنان و حقوق زنان در زمان عده و فلسفه عده و مسائل مربوط به آن چیست؟

سوالات تحقیق

- ۱- آیا اصل تشریح عده به طور مطلق تعبدی است یا نه؟
- ۲- در جدایی که از لعان حاصل می‌شود زن عده دارد یا نه؟
- ۳- زوجه حاملی که در عده وفات است به دلیل فرزندگی که در شکم دارد مستحق نفقه می‌باشد، چنانچه حمل زنده متولد نشود تکلیف نفقه پرداخت شده به مادر چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد نظریه تعبدی بودن ارجحیت دارد ولی نمی‌تواند علت اصلی و قطعی فلسفه عده باشد.
- ۲- جدایی که از لعان حاصل می‌شود فسخ می‌باشد نه طلاق. بنابراین به نظر می‌رسد که زن پس از لعان باید عده فسخ نکاح را سپری کند.
- ۳- اگر حمل زنده متولد نشود، نصیبی از سهم الارث ندارد در این صورت از جمیع مال ورثه نفقه محاسبه می‌گردد احتمالاً در این حالت آنچه پرداخته شده بر ذمه مادر قرار می‌گیرد تا نسبت به سایر ورثه پرداخت گردد.

روش تحقیق

در این پژوهش غالب کار براساس روش کتابخانه‌ای و به ابزار فیش برداری می‌باشد و اکثر منابع مورد استفاده کتب و مقالات فارسی بود که اکثر مقالات از اینترنت گرفته شده.

یافته‌ها

۱. کلیات و مفاهیم

۱-۱- عده

در ابتدا برای درک بهتر موضوع به بیان معانی لغوی و اصطلاحی و ... عده می‌پردازیم.

۱-۱-۱- عده در لغت

کلمه «عده» به کسر عین و فتح دال مشدد، اسم مصدر «اعتداد» و از ریشه «عدد» گرفته شده که جمع آن عِدَد است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۲۴؛ قرشی، ۲۹۹:۴). در لسان العرب آمده است: «عده المرأه أيام قروئها و عدتها أيضا: أيام إحدادها علی بعلها و إمساکها عن الزینه شهورا کان أو أقرء و وضع حمل حملته من زوجها و قد إعتدت المرأه عدتها من وفاه زوجها أو طلاقه إياها» (ابن منظور، ۳:۲۸۴).

۱-۲-۱- عده در اصطلاح فقهی

عده در اصطلاح فقهی عبارت از آن است که زوجه پس از جدایی با طلاق، آمیزش به شبهه، فسخ نکاح، فوت زوج، بذل مدت یا انقضای آن، مدتی را در حال انتظار سپری کرده و از ازدواج دوباره خودداری کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۵۹۴:۳؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۲۱۱:۳۲؛ محقق داماد، ۱۳۷۲، ۴۴۷). شهید ثانی می‌نویسد: «آن‌ها شرعاً اسم عده معدوده تتربص فی‌ها المرأه لمعرفة براءه رحم‌ها او للتعبّد او للتفجّع علی الزوج، شرعت صیانه للأنساب و تحضیناً لها عن الاختلاط» (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۲۱۳:۹).

۱-۳-۱- عده در اصطلاح حقوق مدنی

در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی آمده: «عده عبارت است از مدتی که تا انقضای آن زنی که عقد نکاح او منحل شده است، نمی‌تواند



شوهر دیگری اختیار کند». در ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی مدت عده طلاق و عده فسخ نکاح سه طهر اعلام شده مگر در مورد زانی که با اقتضای سن، عادت زنانگی نمی بینند که مدت عده آنان سه ماه می باشد. در ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو طهر مقرر شده، جزء در مورد زانی که به اقتضای سن عادت زنانگی نمی بینند که مدت عده آنان ۴۵ روز می باشد. در ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی آمده: «زنی که باردار باشد باید تا وضع حمل عده نگه دارد». طبق ماده ۱۱۵۴ قانون مدنی عده وفات در نکاح دائم و منقطع به طور یکسان چهار ماه و ده روز معین گردیده، مگر در مورد زن حامله که مدت عده وی تا زمان وضع حمل ادامه دارد، مشروط بر این که فاصله بین فوت شوهر و وضع حمل از چهار ماه و ده روز بیشتر باشد والا مدت عده همان چهار ماه و ده روز خواهد بود. ماده ۱۱۵۵ قانون مدنی حکم زنان غیرمدخوله و زنان یائسه را تعیین نموده که در مورد طلاق و فسخ نکاح حفظ عده بر آنان لازم نیست، ولی در مورد وفات شوهر باید عده نگه دارد. زنی که شوهرش غایب مفقودالثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد، طبق ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی باید از تاریخ طلاق، عده وفات نگه دارد. همچنین بر زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کرده باشد، مطابق ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی حفظ عده طلاق واجب است. برخی از حقوقدانان بر تعریف ارائه شده در ماده ۱۱۵۰ قانون مدنی ایراد وارد کرده و آورده اند که قانونگذار در این تعریف عده را مختص به عقد نکاح دانسته و وطی به شبهه را قید نکرده است، لذا تعریف ناقص است؛ چرا که علاوه بر عقد نکاح شامل وطی به شبهه نیز می شود (جعفری لنگرودی، ص ۲۶۹).

۱-۱-۴- عده در آیات قرآن

در آیات متعددی از قرآن کریم به مشروعیت و لزوم عده برای زنان پس از انحلال نکاح، تصریح شده، مانند: «وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ...» (بقره، ۲۲۸)؛ «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نَسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحْضُنَّ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ...» (طلاق، ۴)؛ «وَالَّذِينَ يَتُوقُونَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴)؛ «ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا» (احزاب، ۴۹).

۱-۱-۵- بحث تطبیقی عده

مسلمین به طور اجمال بر وجوب عده اجماع دارند و مدارک آن در کتاب و سنت است، زیرا خدای تعالی فرمود: (والمطلقات يتربصن بتربصن بأنفسهن ثلاثة قروء) یعنی زنان مطلقه خود را در سه طهر حفظ کنند و رسول خدا (ص) به فاطمه بنت قیس فرمود: در خانه ابن مکتوم عده نگهدار. و اصطلاح در عده بودن زنی که به واسطه طلاق یا فسخ از شوهرش جدا شده، زنی که شوهرش فوت کرده، زنی که به شبهه همبستر شده، استراء زانیه و زنی که شوهرش مفقود شده باشد، به کار می رود (الجزیری، ۱۴۱۹، ۲۵۰).

۱-۲-۲- حیض

۱-۲-۱- حیض در لغت و در اصطلاح فقهی

«حیض» در اصل به معنی جمع شدن خون (طریحی ۱۳۷۵، ۴:۲۰۲) و جریان یافتن آن است و حوض را نیز به همین ارتباط خون حیض می گویند که آب در آن جمع می شود (طریحی ۱۳۷۵، ۴:۲۰۲). و در اصطلاح فقهی «حیض» خون سیاه و غلیظی است که هنگام بلوغ زن، غالباً با سوزش و حرارت، از رحم وی خارج می شود که به تناسب طبیعت وی در زمانهای بعد، به صورت (ماهانه) در می آید (نجفی، ۱۹۸۱، ۲:۳۸۱).

۱-۲-۲- حیض در قرآن

واژه حیض در قرآن به کار نرفته، ولی مشتق آن به صورت مصدر (حیض) (بقره، ۲۲۲) و فعل (یحضن) (طلاق، ۴) به کار رفته است. در ضمن چون حیض مختص زنان بوده، لذا در زبان عربی اسم فاعل آن نیز مذکر آورده شده و می گویند: «امرأه حاض» یعنی زنی که در ایام عادت ماهانه بر سر می برد، چنانکه به زن باردار نیز «امرأه حامل» گفته می شود (طباطبایی ۱۴۱۷، ۲:۲۰۷).

۱-۲-۳- شرایط خون حیض به لحاظ سن



علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، در خون حیض شرایطی معتبر است. به لحاظ سن زن، خونی که زن قبل از نه سالگی (بلوغ) و نیز بعد از یائسگی می‌بیند حیض نیست، هر چند دارای صفات حیض باشد. سن یائسگی بنا بر مشهور در غیر قرشی و نبطی پنجاه سال و در آن در شصت سال قمری است (نجفی ۱۹۸۱، ۱۶۰-۱۶۳: ۳). به لحاظ زمان، کمترین مدت حیض سه روز و بیشترین آن ده روز است بنابراین خون کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز حیض نیست (نجفی ۱۹۸۱، ۱۴۷: ۳). اقل طهر (پاکی از حیض) ده روز است. در نتیجه فاصله بین دو حیض کمتر از ده روز نخواهد بود. اما در ناحیه زیادی محدودیتی ندارد (نجفی ۱۹۸۱، ۱۴۷-۱۴۹: ۳).

۳-۱- یائسگی

۱-۳-۱- یائسگی در لغت و علم پزشکی

واژه یائسه از ریشه «یئس» به معنای ناامید شدن است. و از جهت لغوی زن یائسه بر زنی اطلاق می‌شود که خون حیضش قطع شده است باشد (سیاح، ۱۳۷۵، ۱۹۰۶: ۲). در علم پزشکی یائسگی را به عنوان قطع دائمی قاعدگیها بر اثر کاهش، یا قطع عملکرد تخمدان تعریف می‌کنند (اسپرک، ۱۳۷۶، ۷۸۲).

۱-۳-۲- یائسگی در اصطلاح فقهی

در اصطلاح شرع، نخست به نظر می‌رسد معنای لغوی با معنای فقهی تفاوت داشته باشد لیکن از بررسی تعاریفی که فقها ارائه داده‌اند، بر می‌آید که معنای شرعی اخص از معنای پزشکی و لغوی است. به این صورت که در فقه به زنی یائسه می‌گویند که به سنی رسیده باشد که در آن سن، خون حیضش به طور طبیعی قطع شود و دیگر امیدی به حیض شدن نداشته باشد و اغلب زنان نیز در چنین سنی دیگر خون حیض نبینند (علم الهدی، ۱۴۱۵، ۶۲؛ الحلی، ۱۴۱۵، ۷۱: ۲).

۲. موجبات عده در فقه و حقوق موضوعه ایران

خداوند متعال انسان‌ها را از دو جنس زن و مرد آفریده و احکامی را جهت سامان دادن زندگی آنان تشریح نموده است. بسیاری از احکام بین دو جنس زن و مرد مشترک بوده و برخی احکام مختص به زنان و برخی مختص مردان است. که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، حکم وجوب عده می‌باشد که مختص زنان است. خداوند زن را ملزم کرده است که در صورت طلاق، فوت شوهر، بطلان و فسخ ازدواج، بخشش یا به پایان رسیدن مدت در ازدواج موقت و وطی به شبهه، مدت زمان معین از ازدواج با مرد دیگر خودداری نماید. به ویژه اینکه امروزه با پیشرفت دانش پزشکی و امکان اخراج رحم، سؤالات جدیدی نیز در این رابطه مطرح می‌شود، در این مبحث عده زنان از جمله عده طلاق، عده وفات، عده زنان باردار، عده در عقد موقت، و عده وطی به شبهه مورد بررسی قرار گرفته؛ همچنین عدم لزوم رعایت عده برای زنان فاقد رحم و نگه داشتن دو حیض در نکاح موقت پیشنهاد شده است.

۱-۲- عده طلاق

طلاق یک عمل حقوقی تشریفاتی است که با گفتن صیغه خاص انجام می‌شود. طلاق به عنوان یکی از اسباب انحلال نکاح دائم است، و به دو قسم تقسیم می‌شود: طلاق بائن و طلاق رجعی. در طلاق بائن رابطه زوجیت به طور کلی قطع می‌گردد و برای شوهر حق رجوع نیست (ماده ۱۱۴۴ ق.م.ا) در حالی که در طلاق رجعی مرد می‌تواند در دوران عده به همسر رجوع نماید.

۱-۲-۱- زنان غیرمدخوله

هرگاه بین زن و شوهر آمیزش جنسی واقع نشده باشد و به دلیلی غیر از مرگ شوهر، ازدواج منحل گردد، عده بر زن واجب نیست، چنانچه آیه شریفه قرآن، کتاب‌های فقهی، روایات معتبر و قانون مدنی بر این مطلب دلالت دارند: خداوند تعالی در آیه‌ی قرآنی پیرامون عده‌ی مطلقه غیرمدخوله می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب، ۴۹). (ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه با زنان مؤمن ازدواج کردید و آنان را قبل از نزدیکی طلاق دادید عده‌ای برای شما بر آن‌ها نیست که بخواهید حساب آن را نگاه دارید، آنان را با هدیه مناسبی بهره مند سازید و به طرز شایسته‌ای رهاشان کنید). در کتاب‌های فقهی پیرامون عده مطلقه‌ی غیرمدخوله نیز آمده است: زنی که دخولی بوی صورت نگرفته در جدائش از شوهر عده ندارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۱۴۲: ۴). غیرمدخوله



اعم از اینکه صاحب عادت باشد یا نباشد، همین قدر که مدخول بها نیست، در طلاق یا فسخ نکاح عده ندارد و می‌تواند بلافاصله بعد از جاری شدن صیغه طلاق ازدواج نماید (طاهری، ۲:۲۸۹). هرگاه زنی قبل از نزدیکی و خلوت با همسرش، طلاق داده شود، عده ندارد (الحسینی السیستانی ۱۴۱۶، ۳:۱۶۵؛ واحدی، ۱۳۴۷، ۲۴۱؛ محمدی، ۱۳۷۱، ۲:۲۴۰؛ دینانی، ۱۳۷۹، ۷۵). زیرا احتمال مختلط شدن نسل در وی منتفی است (زیدان ۱۴۲۰، ۹:۱۲۶).

۲-۱-۲- زوجہ صغیرہ

صغیره اصطلاحاً به دختری گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده است. یعنی کمتر از نه سال دارد. هرگاه عقد نکاح زوج و زوجہ صغیره منحل گردد، از آن جایی که احتمال بارداری بودن زوجہ صغیره منتفی است هر چند که با آن‌ها نزدیکی شده باشد ننگه داشتن عده بر آن‌ها واجب نیست (الحسینی شاهرودی، ۹۰؛ محمدی، ۱۳۷۱، ۲:۲۴۰؛ موسوی بجنوردی، ۵). به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ از انواع طلاق‌های بائن شمرده شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۲:۱۲۰). هر چند از روی عصیان عمل آمیزش نیز انجام شده باشد، زیرا در این مورد نیز احتمال حمل و اختلاط انساب وجود ندارد (بحرانی، ۴۳۲، ۴۳۳:۲۵).

۲-۱-۳- زنان یائسه

به زنی که از نظر سنی به حدی رسیده باشد که به طور طبیعی دیگر حائض نشود و از حامله شدن هم مأیوس باشد، یائسه و به چنین حالتی «یائسگی» گویند (محقق داماد، ۱۳۶۵، ۴۵۱). به عقیده مشهور فقهای امامیه بر زن یائسه عده لازم نیست (خوانساری، ۱۳۵۵، ۴:۵۱۸). ولی در مقابل نظریه مشهور، برخی از فقهای امامیه و تمامی فقهای اهل سنت معتقدند: «عده طلاق زنان یائسه، سه ماه است» (علم الهدی، ۱۴۱۵، ۳۳۴؛ حلبی، ۱۴۱۷، ۳۲۸). دلیل ایشان، ظاهر آیه‌ی قرآن است: «وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نُسَائِكُمْ إِنْ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ...» (طلاق، ۴) (از زنان شما آنان که از حیض شدن ناامیدند، اگر از حیض شدن آن‌ها در تردید هستید، عده طلاق آنان سه ماه است و نیز عده زنانی که حیض ندیده‌اند سه ماه است).

۲-۱-۴- زنان غیرحامل

زنان مطلقه‌ای که حامله نیستند از زنانی هستند که عادت ماهانه دارند و زنانی که حیض نمی‌بینند و در سن آن زن‌ها هستند: زنانی که عادت ماهانه دارند بعد از آن که در پاکی، شوهرش طلاقش داد باید به قدری صبر کند که دو بار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید عده‌ی او تمام می‌شود. و زنانی که حیض نمی‌بینند و در سن آن زن‌ها هستند چنانچه شوهرش بعد از نزدیکی کردن او را طلاق دهد باید بعد از طلاق تا سه ماه عده نگه دارد (وحیدی، ۱۳۸۹، ۲:۴۰۸). برابر ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی، عده طلاق زن غیرآبستن سه طهر است، طهر در لغت پاک شدن را گویند و در اصطلاح حقوقی عبارت است از پاک‌ی زن از عادت زنانگی و نیز مدتی که بین دو عادت زنانگی قرار می‌گیرد. احتساب سه طهر بدین ترتیب است که طهری که طلاق در آن واقع شده، هر چند یک لحظه از آن باقی باشد، یک طهر به حساب می‌آید و هرگاه زن پس از آن دو بار عادت شود و دو طهر کامل ببیند، به محض اینکه وارد عادت سوم شد، مدت عده پایان یافته است (امامی و صفایی، ۱۳۸۵، ۱۰۵). اگر زن با اقتضای سن، یعنی با اینکه به سن یائسگی نرسیده و در سن زنانی است که عادت می‌شوند، عادت زنانگی نبیند، مدت عده دقیقاً سه ماه خواهد بود (بند آخر ماده ۱۱۵۱ ق.م).

۲-۱-۵- زنان حامل

برابر ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است». هرگاه زنی حامله باشد و شوهرش او را طلاق دهد، عده وی به وضع حمل است، خواه زایمان طبیعی صورت گیرد و یا آنکه طفل به صور علقه (پاره خون بسته) و مضعه (تکه گوشت) خارج شود (وحیدی، ۱۳۸۹، ۲:۴۰۸). به هر حال با خروج حمل عده سپری می‌گردد، البته بی تردید او از اینکه شیء خارج شده مبدأ آدمی بوده لازم است. روی این حساب مدت عده در زن حامله حسب مورد تفاوت می‌کند گاه بسیار اندک (یک روز یا چند لحظه) و گاهی طویل (نه ماه) است (یزدی، ۱۴۲۳، ۲:۶۰؛ بحرانی، ۴۳۹:۵؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۳۲:۲۸۵). طبق نظر چند تن از مراجع نیز اگر زن آبستن را طلاق دهند، عده‌اش تا دنیا آمدن یا ساقط شدن بچه



اوست، بنابراین اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید، عده‌اش تمام می‌شود (تقدسی نیا، ۱۳۸۲، ۳۲۰). در قرآن کریم نیز آمده: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ؛ عده زنان باردار تا زمانی است که وضع حمل نمایند» (طلاق، ۴). همچنین امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اذا طَلقت المرأة وهي حامل فأجلها أن تضع حملها وإن وضعت من ساعتها (حعاملی، ۱۴۱۴، ۲۲:۱۹۵). (هنگامی که زنی طلاق گرفت، در حالی که حامله بود، عده‌اش تا وضع حمل است، هر چند بلافاصله بعد از طلاق وضع حمل نماید). لذا عده زنان مطلقه حامله، در صورتی با وضع حمل پایان می‌یابد که حمل مشروع بوده باشد، یا ملحق به مردی باشد که عده زن از اوست و چنانچه از طریق زنا حامله باشد احکام فوق مطلقاً بر وی بار نخواهد بود. بنابراین هر گاه زنی پس از حامله شدن از زنا، شوهرش او را طلاق دهد، یا آنکه پس از طلاق در حین گذراندن عده از زنا حامله شود، عده وی همانند زنان غیرباردار به سه طهر (در ذات الاقراء) و یا سه ماه (در ذات الشهور) خواهد بود، و با انقضای مدت مزبور می‌تواند شوهر کند هر چند وضع حمل نکرده باشد (نجفی، ۱۹۸۱، ۲۶۳:۳۲).

۱-۲-۶- زنان فاقد رحم

در مورد عده‌ی زانی که رحمشان خارج شده فقهای امامیه نظرات مختلفی را ارائه داده‌اند. این مسأله گرچه نوپیدا است و قانون مدنی به این موضوع نپرداخته است ولی شاید بتوان با مراجعه به سخنان فقیهان گذشته معیار عده را دریافت. عده‌ی زنان بدون رحم از دیدگاه سیدمرتضی: مرحوم سیدی مرتضی در انتصار می‌فرماید: زانی که از سن عادت ماهانه آن‌ها گذشته است و از حیض شدن ناامیدند، در زمان طلاق، عده‌ای ندارند، هم چنین کسی که به سن عادت ماهانه نرسیده، نگه داشتن عده بر او واجب نیست (علم الهدی، ۱۴۱۵، ۱۴۵).

۲-۲- عده در نکاح موقت

عده بذل یا انقضای مدت که مربوط به نکاح منقطع است با عده طلاق همیشه یکسان نیست. نکاح موقت (متعه) بدون نیاز به طلاق و صرفاً با تمام شدن مدت یا بذل (بخشیدن) مدت آن از طرف زوج پایان می‌یابد. در زمان عده نیز برای مرد امکان رجوع نیست. ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی در این زمینه مقرر می‌دارد: «عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد نکاح منقطع در غیرحامل دو طهر است، مگر اینکه زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است». در نکاح منقطع، فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن، همانند طلاق در نکاح دائم، موجب عده است. ولی عده آن با طلاق تفاوت دارد و شرح آن به قرار زیر است:

الف) زوجه منقطعه چنانچه صغیره و یا غیرمدخوله و یا یائسه باشد نگاهداشتن عده بر وی واجب نیست (قائمی، ۱۳۶۳، ۴۰۱؛ شفائی، ۱۳۶۲، ۲۱۷).

ب) بر زوجه منقطعه کبیره مدخوله، چنانچه حامله باشد مدت عده تا وضع حمل است.

ج) زوجه منقطعه غیرحامله اگر ذات الاقراء نباشد (یعنی علیرغم آنکه در سن قاعدگی است حیض نمی‌شود) عده او ۴۵ روز است (شهابی، ۱۳۳۶، ۴۲۹:۳).

د) زوجه منقطعه غیرحامله اگر ذات الاقراء باشد در مورد عده او اختلاف نظر بسیار شدیدی در میان فقها وجود دارد

۱-۲-۲- عده زنان غیر حامله در نکاح موقت

زوجه منقطعه غیرحامله اگر ذات القراء نباشد (یعنی علیرغم آنکه در سن قاعدگی است حیض نمی‌شود) عده او ۴۵ روز است. دلیل این حکم، اجماع و اتفاق فقهاء است. محمد بن فضیل از امام باقر علیه السلام روایت کرده که امام علیه السلام فرمودند: «طلاق الأمه تطليقتان وإن كانت قد قعدت عن الحيض فعدتها شهر ونصف» (طوسی، ۱۳۶۳، ۴۴۹:۳)؛ (طلاق کنیز دو تا است و اگر حیض نمی‌بیند عده چهل و پنج روز است) پس عده زانی که حیض نمی‌شوند در نکاح موقت ۴۵ روز است ولی زوجه منقطعه غیرحامله اگر ذات الاقراء باشد.

۲-۲-۲- عده زنان حامله در نکاح موقت



هرگاه زنی حامله باشد و شوهرش او را طلاق دهد و یا در (منقطعه) مدت او را بذل یا منقضی گردد، عده وی به وضع حمل است. برابر ماده ۱۱۵۳ قانون مدنی نیز: «عده طلاق و فسخ نکاح و بذل مدت و انقضای آن در مورد زن حامله تا وضع حمل است» خواه زایمان طبیعی باشد و یا آنکه طفل به صورت علقه و مضغه خارج شود به هر حال با خروج حمل عده سپری می‌گردد؛ و از این جهت فرقی میان نکاح دائم و موقت نیست؛ در این صورت نیز همانند نکاح دائم باید حمل مشروع باشد و الا عده آن با وضع حمل پایان نمی‌یابد و باید دو حیض عده نگه دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳:۶۰۰؛ تبریزی، ۱۴۱۸، ۱:۲۴۱).

مستند فقهی مسئله آیه شریفه به شرح زیر است: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، ۴) (عده زنان باردار به وضع حمل آنان است).

۲-۳- عده وفات

عده وفات، یعنی مدتی که زن بعد از مرگ شوهر باید برای اختیار شوهر دیگر صبر کند، اصولاً چهار ماه و ده روز است (محقق حلی، ۱۴۰۳، ۲۱۲؛ الزحیلی، ۱۴۱۸، ۹:۷۱۸) که مبتنی بر قرآن کریم است که در سوره بقره آمده: «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (بقره، ۲۳۴).

۲-۳-۱- عده وفات زنان غیر حامل

قبل از اسلام، جوامع مختلف درباره زن و شوهر مرده، عقاید گوناگونی داشتند، بعضی بر این باور بودند که او را باید با همسر مرده‌اش آتش زد، یا زنده در گورش به خاک سپرد. بعضی مانند نصارا معتقد بودند که تا آخر عمر نباید با هیچ مردی ازدواج کند و برخی نیز مانند اعراب جاهلی تا یک سال بعد از مرگ شوهر، زن را از هر مردی دور می‌کردند. ملل متمدن‌تر زمان‌های متفاوتی مانند یک سال و نه ماه را برای دوری زن شوهر مرده از مردان دیگر در نظر می‌گرفتند. گروهی دیگر معتقد بودند که شوهر متوفی حقی بر گردن همسرش دارد و آن، همین است که از ازدواج با دیگران تا مدتی خودداری کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲:۳۶۴).

۲-۳-۲- عده وفات زنان حامل

هرگاه زن شوهر مرده حامله باشد، مدت عده او به اصطلاح فقهاء «بعد الاجلین» یعنی طولانی‌ترین دو مدت است، بدین طریق چنانچه وضع حمل قبل از چهار ماه و ده روز اتفاق افتد، تا پایان مدت مزبور عده ادامه خواهد یافت، و چنانچه بعد از مدت اتفاق افتد، با وضع حمل عده سپری می‌گردد و مستند فقهی این مسئله استنتاج از دو آیه شریفه است، یکی آیه «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا» (بقره، ۲۳۴). (و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، (همسران) چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند...) و دیگری آیه ۴ از سوره طلاق به شرح زیر: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ» (طلاق، ۴) (عده زنان باردار به وضع حمل آنان است (یزدی، ۱۴۲۳، ۲:۶۰).

۲-۴- عده فسخ نکاح

فسخ نکاح به جهت بعضی از عیوب یا تخلف از شروط ضمن عقد است، فسخ نمودن به جهت عیب طلاق نیست چه از زوج واقع شود و چه از زوجه، پس احکام آن را ندارد مگر نصف نمودن مهر در فسخی که به خاطر عنن می‌باشد و در آن شروط طلاق معتبر نمی‌باشد پس، از سه طلاق محرمه ای که محتاج به محلل است نمی‌باشد و خالی بودن از حیض و نفاس و حضور دو مرد عادل در آن نیز معتبر نمی‌باشد.

۲-۴-۱- فسخ نکاح در زمان عده طلاق

از آنجایی که مطلقه رجعیه در حکم زوجه می‌باشد، لذا حق فسخ برای طرفین در زمان عده باقی است، و با توجه به تفاوت آثار حقوقی فسخ و طلاق، چه بسا پس از طلاق و قبل از انقضای تمامی عده، در صورت ظهور موجبات فسخ از حق مزبور استفاده نمایند.

۲-۴-۲- تفریق بالعان



لعان مباحله بین زن و شوهر است و اثرش نفی حدّ است یا نفی فرزند و در دو حالت واقع می‌شود: ۱- جائیکه شوهر بر همسر خود نسبت زنا بدهد. ۲- در موردی که فرزندی که در بستر زناشویی او متولد شده را از خود نفی کند و بگوید: این بچه از من نیست در حالیکه ممکن است از او باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۴:۱۷۵).

۲-۵- عده وطی به شبهه

برابر ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی «زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کند باید عده طلاق نگاهدارد» پس اگر مردی با زن نامحرمی به گمان اینکه عیال خود او است، نزدیکی کند چه زن بداند که او شوهرش نیست یا گمان کند شوهرش می‌باشد، باید عده نگاهدارد. اگر زن بی شوهر است تا قبل از انقضاء مدت عده طلاق نمی‌تواند با دیگری شوهر کند ولی به نظر بسیاری از فقهاء با واطی قبل از انقضاء مدت مزبور می‌تواند ازدواج کند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲:۳۴۵). و اگر شوهردار است بی تردید در مدت عده با شوهر خود نمی‌تواند نزدیکی کند ولی استتماعات دیگر مورد اختلاف است اقوی جواز و احوط ترک است (خوئی، ۱۴۱۶، ۲:۳۲۹).

۲-۶- عده زوجه غایب مفقود الاثر

قانون مدنی در مبحث غایب مفقود الاثر، شخص غایب مفقود الاثر و حکم طلاق او را به شرح زیر مقرر داشته است: مطابق ماده ۱۱۰۱ ق.م. «غایب مفقود الاثر کسی است که از غیبت او مدت بالنسبه مدیدی گذشته و از او به هیچ وجه خبری نباشد». طوری باشد که اطرافیان نیز ندانند که او زنده یا مرده است. ولی چنانچه غیبت او کوتاه باشد و یا اطرافیان بدانند که او زنده است، ولی محل استقرارش را ندانند، غایب مفقود الاثر شناخته نمی‌شود. ماده ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ ق.م. حکم طلاق غایب مفقود الاثر را به این صورت بیان کرده‌اند: «هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقود الاثر باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ ق.م. حاکم او را طلاق می‌دهد». ماده ۱۰۳۰ ق.م. «اگر شخص غایب پس از وقوع طلاق و قبل از انقضاء مدت عده مراجعت نماید، نسبت به طلاق حق رجوع دارد ولی بعد از انقضاء مدت مزبور حق رجوع ندارد». و برابر ماده ۱۱۵۶ ق.م. عده زوجه غایب مفقود الاثر به این صورت است: «زنی که شوهر او غایب مفقود الاثر بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق، عده وفات نگاهدارد».

۲-۷- عده ارتداد

کسی که پدر یا مادرش در موقع بسته شدن نطفه‌ی او مسلمان بوده‌اند چنانچه بعد از بالغ شدن اظهار اسلام کند و پس از آن مرتد شود یعنی از اسلام خارج شود زنش بر او حرام می‌شود در اصطلاح فقهاء به چنین شخصی «مرتد فطری» می‌گویند (وحیدی، ۱۳۸۹، ۲:۴۲۱).

۳. مصادیق و موارد عده، فلسفه عده و تطبیق عده با برخی کشورهای اسلامی

احکام مربوط به عده زنان در قوانین اسلامی متناسب با کرامت و ارزش انسانی زنان وضع و تشریح شده است. این تکلیف (عده)، آثار فقهی و حقوقی فراوانی به دنبال دارد و گستره آن بسیاری از زنان جامعه را شامل می‌شود؛ لذا شناخت دقیق این مسأله و تشخیص محدوده زمانی آن نسبت به حالات و وضعیت‌های مختلف زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است به ویژه اینکه تعیین فلسفه عده با توجه به پیشرفت علم و مسائل مستحدثه روز می‌تواند دارای اثرات و تبعات متعدد باشد. چنانچه فلسفه عده، اطمینان از برائت رحم از طفل باشد، در این صورت با اطمینان از عدم وجود طفل در رحم با توسل به شیوه‌های جدید پزشکی می‌توان زن را از تحمل عده در مواردی معاف نمود لیکن در صورتی که امر به تعبدی باشد با اطمینان به عدم وجود طفل نیز باید قائل به حفظ و نگهداری عده برای زنان بود. بنابراین در این مبحث عده در انواع زنان در حالات مختلف، فلسفه عده و سپس تطبیق عده با برخی کشورهای اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۱- اقسام زنان

در زنان سه نوع خون وجود دارد که در فقه به «ماء ثلاثه» مشهور است و هر یک از آن‌ها دارای احکام و آثار جداگانه‌ای است که عبارت‌اند از:



الف) نفاس - خونی است که هنگام وضع حمل بلافاصله و یا اندکی پس از آن خارج می‌گردد، چنانچه زن معتاده باشد تعداد ایام نفاس او به اندازه ایام حیض خواهد بود. خون نفاس حداقل ندارد و از این جهت با حیض تفاوت دارد.

ب) استحاضه - خونی است که صفات خون حیض را ندارد و رنگش مایل به زردی است و رقیق‌تر از خون حیض است و به آرامی دفع می‌شود.

ج) حیض - به طور طبیعی، زنان از سن بلوغ تا قبل از رسیدن به یائسگی، هرازگاهی، چند روز متوالی از آن‌ها خون مخصوص دفع می‌شود که به خون حیض موسوم است و زنان را در آن ایام حائض می‌گویند. خون حیض غالباً سیاه و با سوزش و گرمی خاصی دفع می‌شود و در شریعت اسلام احکام و آثار مختلف عبادی و حقوقی بر آن مترتب می‌باشد. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۱۳۳-۱۳۵؛ محقق داماد، ۱۳۶۵، ۴۵۰).

زنان از نظر حیض به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- زنانی که در سن حیض دیدن می‌باشند که سه دسته هستند: زنان مستقیم‌الاحیض، زنان غیرمستقیم‌الاحیض و زنان حامل

۲- زنانی که در سن حیض دیدن نمی‌باشند که در دو گفتار به بررسی هر دو دسته زنان می‌پردازیم:

۳-۱-۱- زنانی که در سن حیض دیدن می‌باشند

۳-۱-۱-۱- زنان مستقیم‌الاحیض

زنانی که دو دفعه متوالی اما همانند و یکسان خون دیده‌اند «معتاده» یا «ذات‌العاده» نام دارند همانندی و یکسانی قاعدگی این دسته زنان گاهی فقط از نظر تاریخ است مثل آنکه هر دو بار روز پنجم ماه حیض آغاز شده است (معتاده وقتیه) و گاهی فقط از نظر تعداد ایام مثل آنکه در تاریخهای غیرمشابه حیض شده لکن هر بار مدت ۶ روز ادامه داشته است (معتاده عددیه). و گاهی هم از هر دو نظر همانند هستند (معتاده وقتیه عددیه) (ما مقامی، ۱۹؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۱۳۳؛ ۱۳۳-۱۳۵)

۳-۱-۱-۲- زنان غیرمستقیم‌الاحیض

زنان غیرمستقیم‌الاحیض که خود شامل مسترابه، مبتدئه و مضطر به می‌باشند و هر کدام احکام خاص خود را دارند:

۱- مسترابه: کسی است که در سن حیض است ولی حیض نمی‌بیند چنین کسی اگر مدخول بها باشد و بخواهد از طلاق یا فسخ عده نگه دارد و آزاد نیز باشد باید سه ماه عده نگه دارد و اگر آمه باشد یکماه و نیم عده نگه می‌دارد (بحرانی، ۴۳۶:۲۵؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۷۳۹؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۲۲۷:۳۲).

۲- مبتدئه و مضطر به: زنانی که برای نخستین بار خون حیض دیده‌اند که آنان را «مبتدئه» خوانند و زنانی که بیش از یک بار حیض دیده‌اند ولی دفعات ابتلاء آنان از نظر تاریخ و طول مدت ابتلاء یکسان و هماهنگ نباشد، آنان را «مضطر به» خوانند. (یزدی، ۱۴۲۳، ۵۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۳۷:۲).

۳-۱-۱-۳- زنان حامل

زنان حامله نیز در مجموعه زنانی هستند که در سن حیض می‌باشند و اغلب حیض نمی‌بینند و تعدادی از زنان حامله که خون حیض می‌بینند هر چند نادرند ولی اگر چه با آن‌ها مجامعت نیز شده باشد اولاً، طلاقشان در زمان حیض صحیح است، ثانیاً عده آن‌ها در زمان وضع حملشان پایان می‌پذیرد ولو اینکه چند لحظه بعد از طلاق وضع حمل نمایند و در این مورد فرقی نمی‌کند که زایمان زن به صورت طبیعی باشد و یا طفل به صورت علقه و یا مضغه خارج شود یعنی قبل از پایان مدت طبیعی حمل، جنین سقط بشود (شیخ مفید، ۱۴۱۷، ۵۲۷؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۱۳۵:۳۲). و آیه «و أولات الاحمال اجلهن ان یضغن حملهن» (طلاق، ۱) یعنی زنان حامله، مدت عده‌شان تا وضع حملشان است. دلیل بر موارد فوق می‌باشد. حال اگر زن حامله‌ای دوقلو زائید، به صورتی که یکی را زائید نمی‌تواند از دواج کند تا دیگری را هم به دنیا آورد (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ۲۷۰:۲).

اگر زن و شوهر در زمان طلاق متفق القولند، ولی اختلافشان در زمان وضع حمل باشد، قول زن را مقدم می‌نمایند (محقق حلی، ۱۴۰۳، ۸۳۰:۲).

۳-۱-۲- زنانی که در سن حیض دیدن نمی‌باشند



۳-۱-۲-۱- زنان یائسه

به زنی که از نظر سنی به حدی رسیده باشد که به طور طبیعی دیگر حائض نشود و از حامله شدن هم مأیوس باشد، یائسه و به چنین حالتی «یائسگی» گویند. در تعیین سن یائسگی میان فقهای امامیه اختلاف نظر است، برخی آن را شصت سالگی و گروهی نیز پنجاه سالگی دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲:۳۲۵)

۳-۱-۲-۲- صغیره

صغیره اصطلاحاً به دختری گفته می‌شود که به سن بلوغ نرسیده یعنی کمتر از نه سال دارد. به اجماع فقهای امامیه، طلاق دختران نابالغ از انواع طلاق‌های بائن شمرده شده است (نجفی، ۱۹۸۱، ۳۲:۱۲۰)

۳-۱-۲-۳- غیرمدخوله

اگر بین زن و شوهر نزدیکی واقع نشده باشد و به دلیلی غیر از مرگ شوهر، ازدواج منحل گردد، عده بر زن واجب نیست، چنانچه آیه شریفه قرآن بر این مطلب دلالت دارد: «...ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا» (احزاب، ۴۹) (اگر زنان مؤمنه را به نکاح خود درآوردید و پیش از آنکه با آنان آمیزشی کنید، طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آن‌ها عده‌ای که آن را بشمارید، نیست). و مطابق ماده ۱۱۵۵ ق.م. «زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع نشده و همچنین زن یائسه نه عده طلاق دارد و نه عده فسخ نکاح، ولی عده وفات در هر دو مورد باید رعایت شود».

۳-۲- حقوق زوجین در زمان عده

زوجین در زمان عده حقوق و تکالیفی دارند که در عده طلاق و در عده وفات متفاوت است برابر قانون مدنی زمانی که طلاق بائن نباشد، رجعی است و در طلاق رجعی تا زمانی که عده زن منقضی نشده باشد رابطه نکاح کاملاً قطع نگردیده است بنابراین در ایام عده طلاق رجعی، حقوق و تکالیف زوجیت باقی است. (صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ۲۴۸).

۳-۲-۱- حقوق و تکالیف مالی زوجین

• نفقه

• نفقه مطلقه

• نفقه در عده وفات

• مقرری ماهانه

• ارث

۳-۲-۲- حقوق و تکالیف غیرمالی زوجین در زمان عده

۳-۳- ازدواج و زنا با زنی که در عده است

۳-۳-۱- ازدواج با زنی که در عده است

نکاح با زنی که در عده دیگری است باطل است، و فرقی نمی‌کند که نکاح دائم باشد یا منقطع، طلاق بائن باشد یا رجعی، و نیز عده وفات یا عده شبهه. همچنین در بطلان عقد فرقی نمی‌کند که طرفین عالم به وجود عده و حرمت نکاح باشند یا جاهل. همان طور که در مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی آمده است اگر کسی با زنی که در عده طلاق یا عده وفات است، با علم به عده و حرمت نکاح، ازدواج کند عقد باطل و این زن مطلقاً بر آن مرد حرام مؤبد می‌شود. همین طور است اگر ازدواج بدون علم به این دو امر یا یکی از آن‌ها واقع شده و نزدیکی هم صورت گرفته باشد. اما در صورت جهل (به عده و حرمت نکاح یا یکی از این دو) و عدم وقوع نزدیکی عقد باطل است ولی حرمت ابدی حاصل نمی‌شود. در این مورد بین فقها نیز اختلاف نظری وجود ندارد، به دلیل اینکه مستند حکم آیه شریفه زیر است: «وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ» (بقره، ۲۳۵) (مادام که مدت عده سرنیماده عزم عقد نکاح ننمائید). هر چند در آیه فوق از عزم و تصمیم بر نکاح نهی شده است، ولی کاملاً واضح است که آنچه واقعاً ممنوع گردیده اصل عقد نکاح است. مضافاً به اینکه غیرمنطقی است که عزم بر نکاح ممنوع و اصل نکاح مجاز باشد. با استناد به روایات فوق فقهای امامیه فتوی داده‌اند در صورتی که این ازدواج با علم باشد و یا جهل و لیکن نزدیکی صورت



گرفته باشد موجب حرمت ابدی خواهد بود و اما در حالت جهل بدون نزدیکی موجب حرام ابدی نمی‌گردد، ولی در تمام این صور عقد باطل است (محقق داماد، ۱۳۶۵، ۱۰۴).

۳-۲- زنا با زنی که در عده است

هرگاه مردی با زنی که دوران عده رجعیه را می‌گذراند زنا کند آن زن بر وی حرام مؤبد می‌گردد به طوری که بعد از انقضای عده نمی‌تواند با او ازدواج نماید. این مسئله اختصاص به معتده رجعیه دارد، بنابراین زنا با زنی که در عده بائن، عده وفات، عده متعه، یا شبهه و یا فسخ به سر می‌برد، موجب حرمت ابدی نیست (نجفی، ۱۹۸۱، ۴۳۳:۲۹؛ مامقانی، ۳۶۱). همان طور که در قانون مدنی نیز آمده است «زنا با زن شوهردار یا زنی که در عده رجعیه است موجب حرمت ابدی است» (ماده ۱۰۵۴ ق.م). از مفهوم مخالف ماده ۱۰۵۴ ق.م بر می‌آید که زنا با زنی که در عده وفات یا طلاق بائن است سبب حرمت ابدی نمی‌شود. در این خصوص سؤالی به این صورت مطرح است: اگر زنا لاحق بر نکاح باشد و سپس مرد همسر خود را به طلاق رجعی مطلقه نماید آیا می‌توان در زمان عده رجوع کند؟ به نظر می‌رسد چنین رجوعی بلامانع است، چرا که رجوع، اعاده زوجیت سابق است نه ایجاد زوجیت جدید یعنی رجوع به منزله نکاح جدید نیست (محقق داماد، ۱۳۶۵، ۳۰۱).

۳-۴- فلسفه عده

مقررات عده در حقوق ایران، از فقه امامیه گرفته شده است. در توجیه عده دلایلی آورده شده است: یکی آنکه جلوگیری از اختلاط نسل ایجاب می‌کند که زن تا مدتی پس از انحلال نکاح نتواند شوهر کند. دیگر آن که رابطه نکاح، هر قدر ناپایدار و ملال آور باشد، محترم است و احترام آن اقتضای می‌کند که زن نتواند بلافاصله پس از انحلال نکاح، از نو ازدواج کند، علاوه بر این دلایل که در پاره ایی موارد تنها یکی از آنها صادق است - عده طلاق گاهی مهلتی برای تفکر و بازگشت به زندگی زناشویی است. در این مدت زن و شوهر می‌توانند درباره کانون خانوادگی و سرنوشت خود و فرزندانشان نیک بیندیشند و قانونگذار به شوهر امکان داده است که در صورت پشیمانی از گسستن رابطه زناشویی، با رجوع خود اثر طلاق را از میان برده، زندگی مشترک را بدون اشکال از سرگیرد (صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ۱۰۳). با توجه به اینکه اصل وجوب عده دارای ادله محکمی از قبیل قرآن، سنت و اجماع علما است، برخی از حکمت‌های تشریح عده در اسلام را می‌توان در امور ذیل خلاصه کرد:

- جلوگیری از اختلاط انساب
- وسیله‌ای برای صلح و بازگشت
- حفظ حیات و حمایت از جنین
- احترام به شوهر در فوت
- تبعیدی بودن عده

۳-۵- عده در برخی کشورهای اسلامی

عده در تمام مذاهب اسلامی اصلی مسلم می‌باشد و تنها در احکام آن اختلافاتی جزئی دیده می‌شود. در بسیاری از کشورهای اسلامی، خصوصاً در حوزه قانون مدنی، قوانین شرع حاکم است. مذاهب چهارگانه اسلامی با استناد به نصوص قرآنی و منابع روایی، به اتفاق به مشروعیت عده قائل بوده و در این خصوص با فقهای امامیه هم عقیده‌اند. اگرچه در برخی موجبات و مدت عده احکامی متفاوت دارند. به عنوان مثال، فقهای اهل سنت در عدم وجوب عده بر مطلقه غیرمدخوله اتفاق نظر دارند، لیکن در مورد زن یائسه به وجوب نگهداری عده معتقد بوده و مدت آن را سه ماه می‌دانند. بر همین مبنا عده زن حامله را تا وضع حمل دانسته، لیکن عده زن مطلقه‌ای را که حامله یا یائسه نباشد، سه قرء بیان کرده‌اند. مذهب حنفی و حنبلی کلمه «قرء» را حیض تفسیر کرده‌اند، ولی مذاهب امامیه، مالکیه، و شافعیه قرء را طهر تفسیر نموده‌اند. مذاهب اسلامی به اتفاق عده مطلقه‌ای را که به سن بلوغ رسیده لیکن حیض نمی‌بیند سه ماه می‌دانند. به همین ترتیب در قوانین کشورهای اسلامی مدت عده تابع وضعیت زن بوده و به این که شوهر زن را طلاق داده یا فوت کرده، بستگی دارد. فقهای حنفی مدت عده وفات را چهار ماه و نیم و عده طلاق را سه دوره کامل حیض می‌دانند. در اغلب کشورهای اسلامی، در عین حالی که فلسفه اصلی عده پیشگیری از اختلاط



نسل اعلام شده، لیکن این عملکرد را فائند که زن در این مدت مستحق دریافت نفقه می‌باشد. از آن جا که در قوانین اسلامی اشتراک اموال موجود در کشورهای غربی مطرح نمی‌باشد، این موضوع در کشورهای اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بدین ترتیب بسیاری از زنان، وقوع حیض خود را جهت اطلاع دوران استحقاق نفقه پنهان نموده و ابراز نمی‌کنند. قانون جهت پیشگیری از چنین سوءاستفاده‌هایی مدت عده را محدود نموده و مقرراتی وضع نموده است (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳). قوانین برخی از کشورهای اسلامی در خصوص عده به عنوان نمونه بررسی می‌شود:

۳-۵-۱- مراکش

در سال ۱۹۹۳ میلادی قانون احوال شخصیه جدید به شماره ۷۰۰۳ تحت عنوان بمثابة مدونة الاسرة در چهارصد ماده تدوین گردید که اکثر مواد آن از قانون ۱۹۵۷ میلادی گرفته شده است. این قانون به بیان احکام نکاح، انحلال نکاح، ولادت، اهلیت و نیابت شرعی، وصیت، موارث، احکام انتقالی و اختتامی پرداخته است. در قوانین احوال شخصیه مراکش به تبعیت از احکام اسلامی، عده زن در طلاق و فوت شوهر مورد تقنین قرار گرفته است. عده زنی که شوهرش فوت کند، چهار ماه و ده روز است و عده زن مطلقه سه حیض کامل می‌باشد. زن در این مدت نباید با هیچ مرد دیگری ارتباط جنسی برقرار نمایند، تا اگر احیاناً از شوهر جنینی در رحم دارد معلوم شود. حرمت ارتباط جنسی با مردان با آداب و سننی نیز همراه است مانند: به تن کردن لباس سفید، منع خروج از منزل به هنگام تاریکی، منع آرایش و رنگ کردن مو به نشانه عزاداری در مدت عده. وجوب قانونی عده توسط همسر متوفی جهت حفظ کودک است که هم از نظر قانون نام پدر را دریافت می‌کند و هم وی را مشمول ارث پدری می‌نماید (مناقبی، ۲، ۱۳۸۶). در مواردی که مرد بدون دلیل زن را طلاق داده و از این طریق موجب ورود خسارت اجتماعی به زن می‌شود، طبق ماده ۷۰ قانون مصوب ۱۹۵۸ مراکش، مرد را با توجه به وضعیت مالی وی و با رعایت میزان تأثیر اقتصادی بر وضعیت زن، مکلف به جبران خسارت مادی می‌نماید. البته قانون خانواده در مراکش در سال ۱۹۹۳ و سپس در سال ۲۰۰۴ میلادی اصلاح گردید. قانون جدید نه تنها به زنان حق طلاق داده، بلکه در صورت طلاق قائل به تنصیف دارایی‌هایی شده که زن و شوهر پس از ازدواج تحصیل کرده‌اند. (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳)

۳-۵-۲- سوریه

جمهوری سوریه در گذشته همانند دیگر کشورهای عربی قانون مدون در حقوق خانواده نداشت؛ بلکه مصدر رأی قضات شریعت اسلام طبق نظر فقهی حنفی بود. در ۱۹۱۷ میلادی به دستور سلطان محمد رشاد عثمانی قانون «حقوق العائله» عثمانی تدوین و بر تمامی قلمرو عثمانی از جمله سوریه به اجرا گذاشته شد. البته پیش از تدوین این قانون، در ۱۹۱۵ میلادی دو فرمان صادر شده بود که اولی تفریق بین زوجین را بنا به درخواست زوجه شخص غایب بدون طلب نفقه اجازه می‌داد. این حکم براساس نیاز و مصالح عامه مسلمین برخلاف مذهب فقهی حنفی که مذهب رسمی بود از دیگر مذاهب برگرفته شده بود. فرمان دومی مقرر می‌داشت که اگر زوج مبتلا به امراض خاصی باشد، زوجه می‌تواند درخواست حکم تفریق نماید (مناقبی، ۱۳۸۶، ۲). در نوامبر ۱۹۵۳ میلادی قانون احوال شخصیه سوریه شماره ۵۹ رسماً تدوین و تصویب و در دسامبر ۱۹۷۵ میلادی به شماره ۳۴ تعدیل و اصلاح گردید، متأثر از مذهب حنفی که اعتقاد اکثریت مردم سوریه را منعکس می‌کند. این قانون عده را برای زنان، در موارد متفاوت مانند طلاق، فوت شوهر و فسخ نکاح، وضع نموده است. طبق ماده ۱۲۱ این قانون، مدت عده برای زنان غیرحامل در طلاق یا فسخ نکاح، در صورتی که عادت ماهانه زن مرتب و منظم باشد، سه حیض است. این مدت برای زنانی که با اقتضای سن، عادت ماهانه نمی‌بینند یا برای زنانی که حیض آن‌ها قبل از سن یائسگی متوقف شده، یکسال می‌باشد. قانون مذکور برای زنان یائسه نیز عده قائل شده که مدت آن سه ماه است. بر همین مبنا ماده ۱۲۳ قانون مذکور مدت عده وفات را چهار ماه و ده روز تعیین نموده است. در قانون سوریه نیز مواردی پیش‌بینی شده اگر مرد بدون دلیل موجه زن را طلاق داده باشد، دادگاه می‌تواند استحقاق زن نسبت به نفقه را با توجه به وضعیت اجتماعی وی تا افزون بر یک سال علاوه بر مدت عده افزایش دهد. این مبلغ به صورت نقد یا اقساط جهت جبران خسارت وارده به زن مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد. بدیهی است، چنین تقنینی جنبه اجتماعی داشته و با هدف جبران خسارت انجام می‌گیرد و مبنای شرعی ندارد (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳).



۳-۵-۳- مصر

قانونگذار مصری دریافته بود که عدم تبیین قلمرو احوال شخصیه موجب اضطراب و پراکندگی آرای قضایی شده است. از این رو در لایحه تنظیم قضایی برای محاکم مختلط که تحت عنوان قانون شماره ۱۹۳۷/۴۹ صادر شد. و همین طور به مناسبت پایان کار محاکم مختلط در قانون شماره ۱۹۴۹/۱۴۷ مربوط به نظام قضایی در مواد ۱۳ و ۱۴ مسائل داخل در قلمرو احوال شخصیه را بدین گونه مشخص نموده است: «احوال شخصیه که در ماده قبل ذکر شد، شامل دعاوی وسایل مربوط به حالت اشخاص، اهلیت، امور مربوط به حقوق خانواده مانند خواستگاری، ازدواج، حقوق و تکالیف زوجین، مهر، جهیزیه، روابط مالی زوجین، طلاق، تفریق، فسخ و انفساخ نکاح، نسب، اقرار، ابوت و انکار آن، روابط و پیوند میان اصول و فروع (فرزندان و والدین)، التزام به نفقه زوجه و اقارب، تصحیح نسب، فرزندخواندگی، ولایت، وصایت، قوامه، حجر، اذن به اداره و سرپرستی، غایب، مرگ فرضی غایب، دعاوی و امور مربوط به موارث، وصایا و دیگر امور مربوط بعد از مرگ». مواردی را که این قانون در قلمرو احوال شخصیه شمرده برابر با مواردی است که در ماده ۲۸ لایحه محاکم مختلط آمده است که این احصاء نظر غالب در حقوق بوده و شامل احوال شخصیه مصریان و خارجیانی می‌شود. (منقوبی، ۱۳۸۶، ۲) قانون احوال شخصیه مصر، مصوب ۱۹۲۹ م و اصلاحیه سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ در بخش مربوط به طلاق، بر وجوب شرعی و قانونی نگهداری عده برای زنان، بعد از طلاق، اعم از رجعی و یا بائن، تاکید دارد. مدت عده برای زنان مطلقه سه ماه و برای زنانی که نکاحشان به واسطه فوت شوهر منحل می‌شود، چهار ماه و سه روز اعلام شده است. مدت عده برای زنان حامله تا تاریخ وضع حمل می‌باشد. قانونگذار در تعیین مدت عده زن حامله، در مورد طلاق و فوت قائل به تفکیک نشده است. از آن جا که قانونگذار مدت عده زنان باردار پس از بیان مدت عده زنان مطلقه و بیوه بیان نموده، به نظر می‌رسد وضع حمل، ملاک یا پایان مدت عده در هر دو مورد طلاق و فوت می‌باشد. عده از نظر قانونی مدتی است که زن در آن مدت مجاز به ازدواج مجدد نمی‌باشد. قانون مذکور جهت حمایت از زن در زمان عده و بعد از آن پس از طلاق برای زن حق دریافت نفقه به مدت یک سال قرار داده است (حمایت مالی زن در دوران عده، برای مرد دین محسوب شده و بر سایر دیون، حتی نفقه فرزندان مقدم می‌باشد. عدم پرداخت آن نیز ضمانت کیفری داشته و ممکن است به محکومیت مرد به یکسال زندان منجر شود). میزان نفقه در دوران عده به تناسب وضعیت مالی مرد به تشخیص دادگاه تعیین می‌شود، لیکن وضعیت مالی زن تأثیری بر تعیین این میزان در دوران عده ندارد. حمایت مالی از زن پس از طلاق ممکن است به سبب خسارات یا تأثیرات اجتماعی که به زن وارد می‌شود، به مدت دو سال مازاد بر یک سال قانونی، تمدید شود. تصمیم دادگاه در این مورد وابسته به مدت زمان ازدواج و وضعیت اجتماعی زن است. در غیر این صورت، دادگاه پس از یک سال ممکن است از پرداخت نفقه توسط مرد رفع تکلیف نماید. (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳)

۳-۵-۴- عراق

در ۱۹۵۹ میلادی قانون احوال شخصیه به شماره ۱۸۸ تدوین شد که تا زمان حال برای عراقی‌های غیر شیعه اجرا می‌شود. این قانون ۷۴ ماده عمدتاً به مباحث حقوق خانواده و وصیت و ارث پرداخته و ابوابی را مستقیم به فقه ارجاع داده است بدون اینکه به ماهیت و قلمرو و احوال شخصیه اشاره‌ای کند. از لحاظ مستندات، برخی ابواب آن برگرفته از فقه و برخی دیگر از قوانین دیگر کشورها از جمله مصر است و طبق این قانون در عراق، زنان در دو مورد مکلف به نگهداری عده می‌باشند: طلاق (رجعی یا بائن)، فوت شوهر؛ حتی اگر قبل از فوت نزدیکی بین آنان واقع نشده باشد (ماده ۷۴) عده طلاق در مورد زنی که بالغ بوده لیکن هرگز عادت زنانگی ندیده است، سه ماه کامل می‌باشد. مدت عده وفات چهار ماه و ده روز می‌باشد. زنی که شوهرش فوت نموده، چنان چه حامله باشد، مدت عده وی تا وضع حمل خواهد بود، به شرط آن که مدت آن از چهار ماه و ده روز کمتر نباشد و گرنه همان چهار ماه و ده روز می‌باشد (ماده ۴۸). قانون مذکور، شروع مدت عده بلافاصله پس از طلاق یا فوت می‌باشد، چه زن نسبت به آن آگاهی داشته باشد یا نداشته باشد. در قانون احوال شخصیه عراق در مورد نفقه زن در مدت عده یا جبران خسارت ناشی از طلاق اشاره‌ای نشده است. (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳)

۳-۵-۵- هندوستان



قانون هندوستان اگرچه در اکثر موارد بر قانون انگلستان منطبق می‌باشد، ولی در مورد مسائل مربوط به خانواده در حوزه هندوها و مسلمانان تابع آیین آنان است و طبق قانون مسلمانان حنفی (قانون حمایت از حقوق زنان در طلاق مصوب ۱۹۸۶ م) زنان مطلقه در مدت عده استحقاق دریافت نفقه را دارند. ولی در قانون مدت عده تعیین نشده و مرد مکلف است نفقه زن مطلقه را تا زمان مرگ وی یا تا زمانی که مجدداً ازدواج نکرده تأمین نماید (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۴۳).

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مبحث گفته شد زنان از نظر حیض به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- زنانی که در سن حیض دیدن می‌باشند که خود سه دسته هستند: زنان مستقیم‌الحيض، زنان غیرمستقیم‌الحيض، و زنان حامل ۲- زنانی که در سن حیض دیدن نمی‌باشند.

زنان مستقیم‌الحيض که شامل معتاده وقتیه و عددیه و یا صرفاً وقتیه می‌شود و طبق نظر امام خمینی مستقیم‌الحيض زنی است که هر ماه خون می‌بیند، پس چنین زنی اگر آزاد باشد و مدخولٌ بها نیز باشد باید سه طهر عده نگه دارد و اگر کنیز باشد باید دو طهر عده نگه دارد. زنان غیرمستقیم‌الحيض که خود شامل مستترابه، مبتدئه و مضطر به می‌باشند و هر کدام احکام خاص خود را دارند:

۱- مستترابه: کسی است که در سن حیض است ولی حیض نمی‌بیند چنین کسی اگر مدخولٌ بها باشد و بخواهد از طلاق یا فسخ عده نگه دارد و آزاد نیز باشد باید سه ماه عده نگه دارد و اگر آمه باشد یکماه و نیم عده نگه دارد.

۲- مبتدئه و مضطر به: زنانی که برای نخستین بار خون حیض دیده‌اند که آنان را «مبتدئه» خوانند و زنانی که بیش از یک بار حیض دیده‌اند ولی دفعات ابتلاء آنان از نظر تاریخ و طول مدت ابتلاء یکسان و هماهنگ نباشد، آنان را «مضطر به» خوانند. مبتدئه باید رجوع کند به بستگان و نزدیکان و در صورت فقدان بستگان و نزدیکان باید سه ماه عده نگه دارد. مضطر به با رجوع به صفات خون حیض مدت حیض را مشخص می‌سازد. چون هر سه ماه یا هر شش ماه و یا هر هفت ماه یک بار خون حیض می‌بیند. زنان حامله نیز در مجموعه زنانی هستند که در سن حیض می‌باشند و اغلب حیض نمی‌بینند و عده آن‌ها در زمان وضع حملشان پایان می‌پذیرد.

۳- زنانی که در سن حیض دیدن نمی‌باشند: زنان یائسه، صغیره و غیرمدخوله که این سه گروه عده طلاق و فسخ نکاح ندارند. زوجین در زمان عده حقوق و تکالیفی دارند که در عده طلاق و عده وفات متفاوت است برابر قانون مدنی که طلاق بائن نباشد، رجعی است و در طلاق رجعی تا زمانی که عده زن منقضی نشده باشد رابطه نکاح کاملاً قطع نگردیده است. بنابراین در ایام عده طلاق رجعی، حقوق و تکالیف زوجیت باقی است. چون قانونگذار اسلام هنوز زن را به دیده همسر می‌نگرد. پس داشتن رابطه نامشروع با چنین زنی در حکم داشتن رابطه با زن شوهردار است و موجب حرمت ابدی است. نفقه زن همچنان به عهده شوهر سابق است و در صورتی که یکی از زوجین در ایام عده رجعی، فوت نماید دیگری از او ارث می‌برد. مقررات عده در ایران از منابع قرآنی و روایی نشأت گرفته و با استناد به نصوص قرآنی اصل تشریح عده مسلم می‌باشد. برخی آیات قرآنی مدت عده زن را در موارد مختلف مانند طلاق یا فوت شوهر و بر مبنای حامل بودن یا نبودن زن تصریح نموده است. یکی از حکمت‌های تشریح عده، بنابر نص قرآن و برخی روایات برائت رحم از حمل بوده، اگرچه در مواردی علیرغم اطمینان زن از برائت رحم، برخلاف قاعده عمل شده و عده بر زن واجب گردیده است. به عنوان مثال زن مطلقه‌ای که با وی از دبر آمیزش شده نیز، علیرغم اطمینان از پاکي رحم، ملزم به حفظ عده طلاق می‌باشد. به علاوه زن یائسه، غیرمدخوله و زوجه صغیره مکلف به نگهداری عده وفات شوهر می‌باشد. همچنان زن بارداری که پس از وفات شوهر قبل از سپری شدن چهار ماه و ده روز وضع حمل می‌کند واجب است به میزان مدت باقی مانده از ازدواج مجدد امتناع نماید. قوانین عده در سایر کشورهای اسلامی از فقه اسلامی تبعیت نموده و عموماً قوانین مربوط به عده در این کشورها با اختلافاتی در مدت عده طلاق و فوت شوهر، مشابه قوانین ایران می‌باشند، جز



در مورد زنان یائسه که فقه امامیه یائسگی را در طلاق از موجبات معافیت عده می‌داند؛ در حالی که فقه عامه زنان مطلقه یائسه را ملزم به رعایت عده می‌داند. فلسفه تشریح احکام عده در این کشورها نیز عمدتاً جلوگیری از اختلاط نسب می‌باشد. از آن جایی که نگه داشتن عده برای زوجه محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند اما یک ضرورت محسوب می‌شود. عده یکی از احکام الهی است که لزوم رعایت آن با توجه به قرآن و سنت و روایات اهل بیت علیه السلام ثابت می‌شود با توجه به شکل پیوند و جدایی در ازدواج، عده نیز اقسام مختلفی دارد؛ عده طلاق، عده وفات، عده متعه، عده وطی به شبهه، عده همسر مرد مفقود الاثر و عده ارتداد. در هر یک از این موارد نیز در مورد زن باردار و غیرباردار احکام ویژه‌ای وجود دارد. با توجه به آیات و روایات، عده زنان باردار در طلاق تا زمان وضع حمل و در زنان غیرباردار به اندازه سه طهر است. در وفات، عده زنان باردار تا وضع حمل و در غیرباردار در صورتی که خون حیض ببینند به مدت دو حیض و در زنانی که بنا به عللی خون نمی‌بینند، چهل و پنج روز است. حکم عده زن در وطی به شبهه، مانند عده طلاق است و زنی که همسرش مفقود شده، چهار ماه و ده روز پس از اینکه حاکم شرعی حکم به طلاق زن داده می‌تواند ازدواج کند. برخی زنان نیز فاقد عده طلاق می‌باشند که عبارت‌اند از: زنان یائسه، زنان غیرمدخوله و زنان صغیره. براساس آیات و روایات، عده طلاق بر این گونه زنان لازم نیست، ولی عده وفات شامل تمامی زنان می‌شود. زوجین در زمان عده حقوق و تکالیفی دارند که در عده طلاق و عده وفات متفاوت است. برابر قانون مدنی اگر طلاق بائن نباشد رجعی است و در طلاق رجعی تا زمانی که عده زن منقضی نشده باشد رابطه نکاح کاملاً قطع نگردیده است بنابراین در ایام عده طلاق رجعی، حقوق و تکالیف زوجیت باقی است و چون قانونگذار اسلام هنوز زن را به دیده همسر می‌نگرد. پس داشتن رابطه نامشروع با چنین زنی در حکم داشتن رابطه با زن شوهردار است و موجب حرمت ابدی است. نفقه زن همچنان به عهده شوهر سابق است و در صورتی که یکی از زوجین در ایام عده رجعی فوت نماید دیگری از او ارث می‌برد. در مورد فلسفه تشریح عده، علت‌های مختلفی گفته شده، ولی آنچه از آیات و روایات بدست می‌آید، عبارت‌اند از استبرا و پاک بودن رحم، جلوگیری از جدایی کامل بین زن و شوهر، احترام به ازدواج سابق و تعبدی بودن. قوانین عده در سایر کشورهای اسلامی از فقه اسلامی تبعیت نموده و عموماً قوانین مربوط به عده در این کشورها با اختلافاتی در مدت عده طلاق و فوت شوهر، مشابه قوانین ایران می‌باشند، جز در مورد زنان یائسه که فقه امامیه یائسگی را در طلاق از موجبات معافیت عده می‌داند؛ در حالی که در فقه عامه زنان مطلقه یائسه را ملزم به رعایت عده می‌داند. فلسفه تشریح احکام عده در این کشورها نیز عمدتاً جلوگیری از اختلاط نسب می‌باشد.

پیشنهادهاد

بنابر مطالب بیان شده معلوم می‌شود زنانی که فاقد رحم هستند همانند زنان یائسه، عده طلاق بر آنان واجب نیست و نیز مطابق دلائل معتبر عده زنان در نکاح متعه دو حیض است که در قانون مدنی دو طهر قرار داده که شایسته است این مسائل در اصلاح و بازنگری قانون مدنی مورد توجه قرار گیرند. لذا پیشنهاد می‌شود مواد مربوطه به صورت ذیل اصلاح شوند:

۱- ماده ۱۱۵۵ ق.م.م. «زنی که بین او و شوهرش نزدیکی واقع نشده، زن یائسه و همچنین زنان فاقد رحم، عده طلاق و عده فسخ نکاح ندارند، ولی عده وفات در هر مورد باید رعایت شود».

۲- به ماده ۱۱۵۴ ق.م.م. دو بند به صورت ذیل به بندهای ماده اضافه شود: «در موارد ذیل طلاق بائن است: الف) زنان فاقد رحم ب) طلاق صغیره ...».

۳- ماده ۱۱۵۲ ق.م.م. عده نکاح منقطع از دو طهر به دو حیض تغییر یابد و همچنین با توجه به ماده ۱۱۳۹ قانون مدنی که طلاق را مخصوص عقد دائم می‌داند «عده طلاق» در ماده ۱۱۵۲ زاید است و باید اصلاح و مقرر گردد: «عده فسخ نکاح و بذل مدت و انقضاء آن در مورد نکاح منقطع در غیر حامل دو حیض است، مگر اینکه زن با اقتضای سن عادت زنانگی نبیند که در این صورت ۴۵ روز است».



منابع و مأخذ

۱. اسپرک، جانانان (۱۳۷۶). بیماری زنان نواک، مترجم: امیرخانی، ژیلایا
۲. بحرالعلوم، محمدبن محمدتقی، بلغه الفقیه، تهران: مکتبه الصادق
۳. بحرانی، یوسف (بی تا)، حرائق الناضره، قم: موسسه النشر الاسلامی
۴. تبریزی، جواد بن علی. (۱۴۱۸ هـ ق). صراط النجاه، دفتر نشر برگزیده
۵. تقدسی نیا، خسرو. (۱۳۸۲). احکام اختصاصی زنان و دختران (مطابق با فتوای سیزده مرجع)، ناشر: انتشارات ائمه (ع)
۶. جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین. (۱۴۱۳ ق). مسالک الافهام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه
۷. جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین الدین، الروضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه، قم: موسسه اسماعیلیان
۸. جزیری، عبدالرحمن. (۱۴۱۹ ق) الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب اهل البیت علیه السلام، بیروت: دارالثقلین
۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش
۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن بن علی. (۱۴۱۴ هـ ق). وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البیت (ع) لاحیاء التراث
۱۱. الحسینی الروحانی، السید محمدصادق (۱۴۱۴ هـ ق). فقه الصادق، قم: موسسه دارالکتب
۱۲. حسینی سیستانی، سیدعلی. (۱۴۱۶ هـ ق). الفتاوی المیسره، قم: مکتب آیت الله العظمی السید السیستانی
۱۳. حسینی شاهرودی، محمود، جامع المقاصد، مشهد: کتابفروشی جعفری
۱۴. حکیم، محسن. (۱۳۶۳). مستمسک العروه الوثقی، قم: چاپ چهارم
۱۵. حلبی، ابن زهره. (۱۴۱۷ ق)، غنیه النزوع، قم: منشورات مؤسسه الامام الصادق علیه السلام
۱۶. حلی (ابن ادریس)، محمدبن منصور، السرائر الحاوی التحریر الفتاوی، قم: موسسه النشر الاسلامی
۱۷. حلی (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۵ ق). قواعد الاحکام، قم: موسسه نشر الاسلامی
۱۸. حلی (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر، تبصره المتعلمین، چاپ سنگی
۱۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۳۲۴ ق) مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، تهران
۲۰. خمینی، روح الله. (۱۳۸۶). تحریرالوسیله، مترجم: موسوی همدانی، ناشر: موسسه انتشارات دارالعلم
۲۱. خوانساری، سیداحمد (۱۳۵۵ ق). جامع المدارک، تهران: مکتبه الصادق
۲۲. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۳۷۹ ق). منهاج الصالحین، نجف: مطبعه النعمان
۲۳. دیانی، عبدالرسول. (۱۳۷۹). حقوق خانواده ازدواج و انحلال آن، تهران: امیددانش
۲۴. راغب اصفهانی، ابی القاسم (۱۴۰۴ ق). المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب
۲۵. رستمی تبریزی، لمیاء. (۱۳۸۸). تطبیق قوانین عده در ایران و سایر کشورها، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۴۳
۲۶. الزحیلی، وهبه. (۱۴۱۸ هـ ق). الفقه الاسلامی وادلته، دمشق: دارالفکر
۲۷. زین الدین، الشیخ محمدامین. (۱۴۱۳ هـ ق). کلمه التقوی، مهر
۲۸. سلّار دیلمی، ابی یعلی حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۱۴ ق). المراسم العلویه، قم: انتشارات امید
۲۹. شفائی، محسن. (۱۳۶۲). طلاق در مذاهب، تهران
۳۰. شهابی، محمود. (۱۳۳۶). ادوار فقه، تهران: دانشگاه تهران
۳۱. شیخ صدوق (۱۳۸۸). ترجمه علل الشرایع، مترجم: حسینی، علی، ناشر: انتشارات اندیشه مولانا
۳۲. شیخ صدوق، محمدبن علی بن الحسین بن بابویه. (۱۴۱۵ هـ ق). المقنع، قم: موسسه الامام الهادی
۳۳. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی. (۱۴۱۵ ق). المقنع، قم: موسسه الامام الهادی علیه السلام
۳۴. صدوق (ابن بابویه)، محمدبن علی. (۱۳۸۵ ق). علل الشرایع، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
۳۵. صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله. (۱۳۸۵). مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان
۳۶. طباطبایی، حائری، سیدمحمد علی بن محمدعلی. (۱۴۱۸ هـ ق). ریاض المسائل، قم: موسسه آل البیت
۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ هـ ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامعه مدرسین
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو

آدرس دبیرخانه همایش: آذربایجانشرقی، مراغه، بلوار شهید درخششی. مجتمع اداری و آموزشی

دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، ساختمان اداری اندیشه شهید سلیمانی، طبقه دوم

تلفن تماس: ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ - ۰۲۱۳۷۲۵۵۸۸۳ داخلی ۲۳۶ و ۲۳۳



۳۹. طریحی، فخرالدین. (۱۳۷۵). مجمع البحرين، تهران
۴۰. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن (۱۳۶۵)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، قم: دارالکتب الاسلامیه
۴۱. طوسی، ابی جعفر محمدبن حسن. (۱۳۶۳). الاستبصار فی ما اختلف من الآثار، قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه
۴۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن. (۱۴۱۳ هـ ق)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، بیروت- لبنان: دارالاضواء
۴۳. عاملی، محمدبن علی. (۱۴۱۳ هـ ق). نهایه المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام، قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین بقم المشرف
۴۴. علم الهدی، السیدالشریف المرتضی. (۱۴۱۵ هـ ق). الانتصار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه
۴۵. علوی قزوینی، سیدعلی. (۱۳۸۷). انواع زنان و وضعیت زنان فاقد رحم، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۴۰
۴۶. فیومی، احمدبن محمد بن علی. (۱۴۰۵ ق). المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر الرافضی، قم: مؤسسه دارالبهره
۴۷. قائمی، علی. (۱۳۶۳). نظام حیات خانواده، تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
۴۸. قبله‌ای خوبی، خلیل. (۱۳۸۷). آیات الاحکام (حقوق مدنی و جزایی)، تهران: سمت
۴۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامی
۵۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۵). دوره مقدماتی حقوق مدنی، خانواده، تهران: نشر یلدا
۵۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۸). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران: نشر میزان
۵۲. کلینی، ابوجعفر محمدبن یعقوب. (۱۳۶۳ هـ ق). الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۵۳. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۱۲ هـ ق). فروع الکافی، بیروت: انتشارات دارالاضواء
۵۴. مامقانی، عبدالله. مناهج المتقین، چاپ سنگی
۵۵. محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۶۵). بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی
۵۶. محمد، مؤمن. (۱۳۷۴). بررسی فقهی حکم عده زنان بدون رحم، فقه اهل بیت، شماره ۲
۵۷. محمدتقی، منافی. (۱۳۸۶). احوال شخصیه و قلمرو آن در فقه، حقوق و نظام‌های حقوقی کشورهای اسلامی، شماره ۲
۵۸. محمدی، علی. (۱۳۷۱). شرح تبصره علامه حلی، قم: دارالفکر
۵۹. المدرسی، السید محمدتقی. (۱۴۲۶). احکام الزواج وفقه الاسره، طهران: دارالمحبی الحسین
۶۰. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۲ هـ ق). الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت- لبنان: دارالتعارف المطبوعات، ترجمه: جباری، مصطفی، مسجد سراپی، حمید (۱۳۷۹). تهران: ققنوس
۶۱. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۰۲ هـ ق). فقه الامام جعفرالصادق، بیروت - لبنان: دارالجواد
۶۲. مفید، محمدبن محمد. (۱۴۱۰ هـ ق). المقنعه، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه
۶۴. مکی العاملی، محمد بن جمال الدین. (۱۴۱۰ هـ ق). اللمعه الدهشقیه، قم: منشورات دارالفکر
۶۵. میرداداشی، سیدمهدی، نفقه در عده وفات، شماره ۷۱-۷۰
۶۶. نجفی، محمدحسن. (۱۹۸۱ م). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی
۶۷. نظری، اعظم. اشرف، صدیقه (۱۳۸۷). عده‌ی زنان آیینیه فقه امامیه، شماره ۱۸
۶۸. واحدی، قدرت الله. (۱۳۴۷)، طلاق، تهران: مؤسسه انتشارات آسیا
۶۹. وحیدی، محمد. (۱۳۸۹). احکام خانواده، ناشر: سنابل
۷۰. یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۳ ق). عروه الوثقی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی
۷۱. یوسفی، رقیه. (۱۳۹۲). چیستی و چرای عده در اسلام، پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، شماره ۱



Women's Health After Idah & Explaining its Rulings in the Laws of Iran & Islamic Countries

Ayda Tanhaei Dilmaghanei

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Aydatanhae1360@gmail.com

Hossein Azimi Sfanjani

Ph.D Student in International Law, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Hosseinazimi343@gmail.com

Abstract

Divorce amalgamation of doubt, the death of a spouse, or bring to an end a period of temporary marriages task as eddeh length of time that a woman should wait after separation from husband to marry again). women make the sentence tasks lot of women. But the holy founder of the order, with all the care that mine is a generation removed from a group of women that the most important is: the virgin, immature, disappointed in the period. Since the lack of intercourse between men and women being pregnant female with ability to bet on him, there is no need for eddeh. In contrast certain instances of suspected instance edden argued that women without a uterus that is eddeh including those student in this research and suggested to them necessity eddeh as if philosophy eddeh, ensure the acquittal of the womb is a child, then the child in the womb is a means to ensure the absence of new medical practices can be granted in cases of women suffering. Eddeh but if otherwise is to ensure that to child should be allowed to keep eddeh the female elderly. Thus, despite the differences between the predicted eddeh in all Islamic school of thought on the subject is religion so necessary comparative study is also done in this area.

Keywords: Eddeh Eivorce, Eddeh Died, Permanent Marriage, Temporary Marriage, the Virgin, Period, Disappointed in the Period